

اُرفِ سیاه

(داستان/عکس)

با مقدمه‌هایی از استاد عادل شفاثیه و استاد حمید رضا نعیمی



عکاس: ماندانا رنجبر

نویسنده: بهرنگ رنجبر

سرشناسه:رنجبر، بهرنگ، ۱۳۶۸ -
عنوان و نام پدیدآور: ارف سیاه (داستان/ عکس)/ نویسنده بهرنگ رنجبر؛ عکاس ماندانا رنجبر.

مشخصات نشر: تهران : نشر داستان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.: مصور (رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۸۲-۸۱-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: داستان‌ها؛ تاریخی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction -- 20th century

شناسه افزوده: رنجبر، ماندانا، ۱۳۷۰ - عکاس

زده بندی کنگره: ۱۴۱۰۹۶ / ۱۳۷۰ / PIR

زده بندی دیویی: ۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۸۱۹۶



تهران - صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۳۱۶

Email: Nashredastan@yahoo.com

۶۶۹۲۸۳۱۶-۰۹۱۲۴۲۱۴۵۸۹

ارف سیاه

عکاس: ماندانا رنجبر

نویسنده: بهرنگ رنجبر

تصویر روی جلد از نمایش فاوست به نویسندگی و کارگردانی حمیدرضا نعیمی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۸۲-۸۱-۲

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

استاد هادی شفائیه در ۲۳ مرداد سال ۱۳۰۲ در تبریز متولد شد. وی در سن ده سالگی برای اولین بار، عکاسی و ظهور عکس را تجربه می‌کند. در سال ۱۳۳۰ برای نخستین بار در یک مسابقه عکاسی که انجمن فرهنگی ایران و فرانسه ترتیب داده بود، تنها با یک عکس، شرکت کرده و برنده‌ی اول مسابقه می‌گردد. در فروردین ۱۳۳۴ با افتتاح استودیو هادی رسماً و به‌طور حرفه‌ای عکاسی را آغاز نمود. او در تابستان همان سال اولین کلاس عکاسی ایران را برگزار کرد. ایشان طراح و به‌گذار رشته‌ی عکاسی در دانشگاه‌های ایران از سال ۱۳۴۹ و مدیر گروه و رئیس دپارتمان عکاسی در پردیس هنر دانشگاه تهران از بدو پیدایش آن بوده است، همچنین مدیریت و تدریس گروه عکاسی را تا آخر سال تحصیلی ۱۳۶۶ برعهده داشت.

اگرچه فعالیت‌های عکاسی هادی شفائیه گونه‌های مختلف عکاسی را در بر می‌گیرد، ولی شهرت استاد بیشتر به سبب پرتره‌هایی است که عکاسی کرده است. در سال ۱۳۴۷ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت نمود و در حال حاضر در شهر دابلین در ایالت اوهایو زندگی می‌کند. وی استاد عکاسی نوین ایران نامیده‌اند. از مشهورترین آثار او پرتره‌های نیما یوشیج و بسیاری از مشاهیر ادبی و هنری می‌توان نام برد. ایشان هستند. کتاب ماندگار وی «فن و هنر عکاسی» اولین بار در سال ۱۳۷۲ چاپ شد. این کتاب در سال ۱۳۹۲ به چاپ چهاردهم رسیده و تاکنون بیش از پنجاه هزار نسخه از آن منتشر شده است. استاد شفائیه، پس از دریافت نسخه‌ها از کتاب حاضر، با همان قلم شیوای خود، متنی به این شرح ایراد نمودند:

«ماندانا و بهرنگ عزیز،

دوربین عکاسی به خودی خود نمی‌تواند کاری انجام دهد... این خواست اراده‌ی مترممند عکاس است که لحظه را ثبت می‌کند. این لحظه می‌تواند نقطه‌ی اوجی باشد بر یک اثر غامضی که در یک ثانیه رخ می‌دهد و تا همیشه ماندگار می‌شود. تلفیق ثبت‌هایی ناب از نمایشنامه‌های گوناگون و آفرینش داستانی که تمام عکس‌ها را به هم مرتبط کند، اثری می‌سازد بدیع در نوع خود... و من... همان باغبان پیغم که به نمایش برگ و بار درختی نشسته و وقت خوش کرده‌ام که روزی نهالش را در باغ دانش و هنر میهن خود، نشانده‌ام.»

استاد حمیدرضا نیمی در یکم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۳ در شهر مرزی سرپل‌ذهاب (کرمانشاه) چشم به جهان گشود. نمایشنامه‌نویس، بازیگر، کارگردان و مدرس تئاتر ایرانی، در سال ۱۳۷۶ مدرک کارشناسی ادبیات نمایشی و در سال ۱۳۷۹ مدرک کارشناسی ارشد بنحری درگردانی را دریافت نمود. وی در نمایش‌های «گومه سار»، «خانه‌ی کاغذی»، «وعده‌گاه نهنگ‌ها»، «شهر آدم، شهر حین»، «کس»، «داستان‌های کارور»، «مکبث»، «قضیه‌ی تراخیس»، «چه‌گوارا»، «ددالوس و ایکاروس»، «کالون و قیام کاستلیون»، «حضرت والا»، «لابی»، «بلوط‌های تلخ»، «چمدان»، «تریو بدون هارمونی» و... ایفای نقش کرده است. او همچنین کارگردانی نمایش‌های «روزنه»، «وعده‌گاه نهنگ‌ها»، «دختری با شنل ارغوانی»، «داستان‌های کارور»، «خیال» و... نویسندگی نمایش‌های «گومه سار»، «روزنه»، «خانه‌ی کاغذی»، «وعده‌گاه نهنگ‌ها»، «دختری با شنل ارغوانی»، «آوای سرخ»، «آژاکس»، «داستان‌های کارور»، «کالون و قیام کاستلیون»، «شرق دور، شرق نزدیک»، «سنگ‌کا»، «مده‌آ»، «اینک آن انسان»، «شوایک»، «زرا و دانا» را برعهده داشته است.

حمیدرضا نعیمی اکنون جوایز متعددی از جمله جایزه فیلمنامه‌نویسی برای فیلمنامه بلند داستانی «مخمصه» از یازدهمین جشنواره بین‌المللی روستا، جایزه اول نمایشنامه‌نویسی از دوازدهمین جشنواره سراسری دانشجویان برای نمایشنامه «وعده‌گاه نوگه»، لوح تقدیر به‌عنوان نمایشنامه‌نویس فعال در «روز جهانی تئاتر»، جایزه اول نمایشنامه‌ی اقتباسی برای نمایش «مکبث» انجمن نویسندگان سومین جشنواره بین‌المللی فجر، جایزه اول نمایشنامه‌نویسی از اولین جشنواره سراسری نمایشنامه‌نویسی کودکان، نوجوانان برای نمایشنامه «قصه‌ی خوب خدا»، جایزه اول نمایشنامه‌نویسی برتر از سومین جشنواره تئاتر ماه برای «امشب دیگر» و جایزه اول نمایشنامه‌نویس پانزدهمین جشنواره بین‌المللی روستا، جایزه اول نمایشنامه‌نویسی برتر در بخش تولید متون سی‌امین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر برای نمایشنامه «شرق دور، شرق نزدیک»، دریافت «نشان عبدالحسین نوشین» برای کارگردانی نمایش «سقراط» و دریافت «تقدیرنامه برای کارگردانی نمایش «ترور» را در کارنامه‌ی هنری خود دارد. همچنین نمایشنامه‌نویس و کارگردان نمایش‌های فاخری چون «فاوست»، «سقراط» و «ترور» می‌باشد. نمایش «سقراط» رکورد پرفروش‌ترین و پرمشاهرت‌ترین نمایش تاریخ ایران را به خود اختصاص داده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، متنی است به قلم ایشان پس از دریافت نسخه‌ای از کتاب حاضر:

خورشید، برای عکاس فقط یک بار طلوع می‌کند اما برای قصه‌نویس، هزاران...

شب، با ماه و ستاره‌گان، و تمام ازابه‌های آتشین‌اش از نگاه هنرمند عکاس یک بار اثری می‌نماید، حال آن که شب با همه‌ی پوشنده‌گی و سیاهی‌اش برای نویسنده ملجاء کشف است و شهود...

تولید یک نوزاد برای لنز یک دوربین «واقعیت» است و برای ذهن یک شاعر، «حقیقت».

جهان عکس و جان نوشتن را همان اندازه دور از هم می‌دانم که نزدیک به یک‌دیگر. نویسنده، خلاف عکاس دست به چیده‌مان می‌زند. فضا سازی می‌کند. هم‌چون نقاش در حال آفرینش و زایش است. کاراکتر و قصه می‌سازد. وضع می‌کند. حرکت و رشد را رقم می‌زند. شروع و پایان را تعیین می‌کند و... با وجودی که (به باور من) عکاس این کارها را نمی‌کند، اما هنر عکاسی کاشته به زبان تصویر است. عکاس، خلاف نویسنده، زمان را متوقف می‌کند و این جادوی تکنولوژی، کاری خدای‌گونه است. بیشتر به معجزه است، چیزی که از نقاشی هم برمی‌آید. کار عکاس، نه شروع است و نه پایان؛ یک میانه‌ی ناب است. یک انترمی ساکن که تا ابدآباد ادامه می‌یابد... گزارشی است ازلی.

به راستی چه چیزی عکاسی را به «هنر» تبدیل کرده است؟ یک قاب بندی خوب؟ نورسنجی و سرعت مناسب؟ سوژه؟ شکار لحظه؟ بی‌شک این همه هست و همه‌ی آن‌چنین که باید نیست. عکس ناب، عکس «آن» است. این «آن» کدام است که نه «این» است و نه هیچ آن دیگری؟ این «آن» چیست که در یک عکس، باروی جان و ذهن مخاطب را تسخیر می‌کند و به فتح خویش می‌بالد؟ شاید همه چیز به این بندها بر می‌گردد که «حقیقت» عصر مدرنیته هستی در «واقعیت» دارد. اگر در اعصار پیش، این قصه‌ها، داستان‌ها، رمان‌ها و شعرها بودند که رویای مشترک انسان‌ها را نمایان می‌کردند، امروزه روز، عکاسی واقعیات تلخ و شیرین آن‌ها را به هر ترصه می‌دارد. عکاسی، صریح‌ترین، سریع‌ترین، عادل‌ترین، بی‌واسطه‌ترین و ساده‌ترین زبان هنری دنیاست. برای فهم و دست‌اندازی موثر به واقعی‌های کلاسیک و جاودانه‌ی دنیا می‌بایست آموزش دید، گوش داد و به آن عادت کرد. برای نمایشنامه خواندن باید تئاتر دید. برای درک شعرهای کهن باید نقد بزرگان را مطالعه کرد و... اما، برای درک یک عکس، فقط کافی است آن را ببینی... همین.

أرفی سیاه، تجربه‌ی نابی است در تئاتر. این دیگر «مهارت» نیست، «هنر» است که عکس‌های ده‌ها تئاتر با فُرم و محتوای متفاوت را کنار هم قرار بدهی و از آن‌ها داستانی یک‌دست، به دست دهی. از تئاتر به عکس رسیدن و از عکس تئاتر به داستان رسیدن، راه نرفته‌ای است که می‌بایست به تاول پاهایی که این ارض را پیموده‌اند احترام گذاشت.

با احترام

حمید رضا نعیمی - تابستان ۱۳۹۵

امروزه پیشرفت روزافزون تکنولوژی و وفور ابزارهای عکاسی دیجیتال، بستر پهنآوری را برای فراگیری هنر عکاسی به کمک آزمون و خطاهای متعدد فراهم آورده و افراد بی‌شماری را به سوی این هنر سوق داده است.

عکاسی تئاتر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و هر روزه خیل عظیمی از این افراد را به سمت خود جذب می‌کند. از سوی دیگر به مدد آنکه بسیاری از سالن‌های دولتی یا خصوصی کوچک و بزرگ در خدمت هنرهای نمایشی قرار گرفته‌اند، نمایشنامه‌ها را از راسر جهان بر صحنه تئاتر ایران جان می‌گیرند و بر قاب دوربین عکاسان نگاشته می‌شوند. ضبط لحظات اجرایی نمایش، تأثیر بسزایی در دیده‌شدن گروه نمایشی و فضای تبلیغاتی تئاتر در حال اجرا خواهد داشت. مسئولیت این فرایند را عکاس تئاتر بر دوش می‌کشد، هنرمندی که نامحسوس حضور دارد و از ویزور دوربین به نمایش نمایش نشسته است و انتظار می‌رود؛ انتظار برای ثبت آن لحظه‌ی قطعی که بار دراماتیک نمایش را بر یک فریم ثابت تا همیشه ثبت کند. به طوری که بارها عکس‌هایی شگرف از نمایش ثبت شده‌اند که کارگردان نمایش و گروه اجرایی را متحیر ساخته است.

رسالت این هنرمند خلق هنر از هنر است و در واقع اینجا است که سره‌ی عکس‌هنری از ناسره‌ی عکس مکانیکی تمییز داده می‌شود.

به پستوانه‌ی سال‌ها فعالیت در زمینه‌ی عکاسی تئاتر، بر آن نادمم که به آثار ثبت شده در آرشیو صندوقچه‌ی دیجیتال، حیات دوباره‌ای ببخشم تا شاید باز هم آفرینشی دیگر از دل داشته باشد؛ چرا که این مسیر را پایانی نیست و زایش آثار هنری سلسله‌وار و از دل یکدیگر همیشه و همواره ادامه خواهند داشت. از این رو با چند تن از دوستان نویسنده مذاکراتی داشتم و در نهایت ایده‌ی یک کتاب کوتاه منسجم که بتواند عکس‌های مختلف از نمایشنامه‌های متفاوت را در خدمت بگیرد، نظر مرا جلب نمود و مجری آن شدن گری کتاب حاضر شد.

امید است اثر پیش رو، حرکتی مؤثر در راستای اعتلای هنر عکاسی تئاتر باشد.

در پایان از اساتید محترم عکاسی آقایان رسول اولیازاده، مسعود پاکدل، ابراهیم حسینی، سیامک زمردی مطلق، امیر عابدی، ناصر عرفانیان، رضا معطریان، رضا موسوی و هادی نوید برای تلاش بی‌دریغشان به‌منظور رشد و بالندگی عکاسی تئاتر و همچنین جناب آقای فریاد شیری در جهت چاپ کتاب کمال تشکر و قدردانی را دارم.

مآندانا رنجبر - تابستان ۱۳۹۵